سیاه ، سفید ، خاکستری

رابطه در سراب

خوشحال، سرخوش و شاد با هم سن و سال های خود سرگرم بازی بودم. هیچ خاطره ای قشنگ تر از چند سال اول دوران کودکی خود ندارم، این ادامه داشت تا این که وقتی خواهرم به دنیا آمد با بیماری پدرم به یک باره همه چیز تغییر کرد.

مادرم توان تامین هزینه های درمان او را نداشت و مدام نگران آینده خود و فرزندانش بود آن قدر مشکلات زندگی او را تحت فشار قرار داده بود که مدام می گفت ما بدبختیم و از این زندگی خسته شده ام.

در خانه آرامش نداشتم و از بودن در کنار اعضای خانواده لذت نمی بردم، می خواستم مثل دوستانم شرایط خوبی را تجربه کنم اما نمی شد، وقتی وارد خانه می شدم و شرایط موجود را می دیدم به هم می ریختم و حس خفگی به من دست می داد. تازه وارد دوران نوجوانی شده بودم که پدرم از دنیا رفت.

تمایلی به درس و مدرسه نداشتم، بعد از تعطیلی مدرسه کارم این شده بود که به بازار بروم و خودم را به نوعی سرگرم کنم. با مادرم به دلیل مشکلاتی که داشت چندان رابطه عاطفی نداشتم و نیاز به هم صحبتی و کسی که با او درد دل کنم را در بیرون از خانه جست وجو می کردم.

مدت زیادی نگذشت که بی خیال درس و مدرسه شدم و هر چه مادرم گفت درس بخوان، اهمیتی ندادم. مرتب با او سر همین موضوع درگیر بودم تا جایی که برای بیرون رفتنم سختگیری می کرد یا می گفت این کار را بکن، این کار را نکن. ذهنم کاملا به هم ریخته بود و هیچ احساس خوبی به زندگی نداشتم و آرامشم را از دست داده بودم فقط زمانی حس خوبی داشتم که بیرون از خانه بودم.

در جریان پرسه زنی در خیابان با پسری به نام شاهین آشنا شدم که چند سالی از من بزرگ تر بود. ملاقات های ما وقت نمی شناخت و حتی به مهمانی های شبانه هم می رفتم و کم کم معتاد شدم، هم به شاهین و هم به مواد مخدر. ارتباطم به حدی رسیده بود که وابستگی شدیدی به او پیدا کرده بودم و برخی شب ها را نیز با او سپری می کردم.

وابستگی ام به مواد مخدر آن قدر زیاد شده بود که برای تامین هزینه های آن به تمام خواسته های او تن می دادم، حتی دیگر برایم مهم نبود که کجا هستم و چه کاری انجام می دهم. هیچ اختیاری برای مهار خود نداشتم و برایم خوابیدن در کوچه، بیابان، باغ و... مهم نبود و با همین که نشئه شوم خود را راضی می کردم.

مدتی پیش بر حسب اتفاق در خیابان با یکی از دوستان صمیمی دوران مدرسه آشنا شدم و وقتی داستان زندگی ام را شنید بر خلاف تصورم دستم را گرفت تا بیشتر از این در باتلاق اعتیاد فرو نروم. او با کمک مادرم برای ترک دادن من اقدام کردند و حالا مدتی است در کمپ به انتظار روزهای بهتر زمان را می گذرانم، نمی دانم بعد از این چه خواهد شد.

• **پیام مشاور**

مهم ترین نیاز هر فرد حمایت هایی است که از ناحیه نزدیکان خود به ویژه والدین می بیند. خانواده باید به نیازهای فردی فرزندان توجه کند و بار مشکلات و فشارهای زندگی را بر دوش فرزندان قرار ندهد چرا که تصویر ذهنی فرزندان نسبت به زندگی و امید به آینده را دچار اخلال می کند.

زمانی نوجوان اسیر روابط خارج از چارچوب خانواده و گرفتار چالش ها و آسیب های اجتماعی می شود که به نیازهای عاطفی و روحی و روانی او در نظام خانواده توجه نشود و والدین رشد فرزندان را در چارچوب رشد جسمی قلمداد کنند.

آرزوهای بر باد رفته در خانه پدری

می‌خواهم زندگی کنم، مثل همه، این خواسته زیادی است؟ برایم تصمیم گرفتند و آینده ام را با همه آرزوهایم به نابودی کشاندند و حالا می خواهند راه خودم را بروم و...

این حرف‌ها بخشی از جملات زن جوانی است که با دستان لاغر و لرزانش زیر برگه هایی را امضا می کرد تا بلکه بتواند از روزهای سخت زندگی اش خلاص شود.

غمی بزرگ در چهره اش موج می زد تا جایی که صورت جوانش را بسیار پژمرده نشان می داد. به نظر نمی آمد سن و سال زیادی داشته باشد، چشمانش را به زمین دوخته بود و کمتر سرش را بالا می آورد. قاضی برگه های پرونده اش را یکی یکی ورق می زد، زمان زیادی نگذشت انگار با یک نگاه همه چیز را فهمیده بود.

پرونده را که بست، زن جوان کمی روی صندلی خودش را جابه جا کرد، قاضی خواست تا آن چه را که در شکایتش نوشته توضیح دهد. اشک در چشمانش حلقه زده بود که شروع به سخن گفتن کرد.

۱۸ سال‌ام و سه ماه بیشتر از عمر زندگی مشترکم نمی گذرد. در خانواده‌ای پرجمعیت بزرگ شده ام و چهار خواهر و دو برادر دارم به همین علت به سختی هزینه های زندگی‌مان، تامین می‌شد حتی برادرانم بعد از ترک تحصیل کار می کردند اما مشکلات زندگی مان آن قدر زیاد بود که تمامی نداشت. در این شرایط برای این که هزینه‌های زندگی ما کمتر شود، پدرم سعی می کرد اگر خواستگاری در خانه را از دسنگ اندازی نکند و دخترانش را شوهر بدهد و به همین روش چند نفر از خواهرانم راهی خانه بخت شدند. ما نان خورهای اضافه در خانه پدر بودیم که باید به خواسته پدرم گوش می کردیم و بدون این که حتی ذره ای به خواسته های ما توجه شود تن به ازدواج می دادیم.

دوران دبستان و راهنمایی را به هر سختی که بود پشت سر گذاشتم و با این که درسم بد نبود اما دوم دبیرستان بودم که پدرم دیگر اجازه نداد به مدرسه بروم و درس بخوانم و با یک دنیا آرزو مرا خانه نشین کرد.

پدر می گفت مدرسه رفتن هزینه دارد و همین که نان تان را تامین می کنم کافی است، از سویی چه کسی گفته دختر باید تا آخر درس بخواند، همین که سواد دارید بس است.

من و خواهرانم در خانه قالی می‌بافتیم و پدر آن ها را می‌فروخت و به زخم زندگی می‌ زد. اعتراضی نداشتم و تحمل می کردم، البته پدر جای اعتراضی هم نگذاشته بود.

مادرم پیر شده بود و اوضاع او هم بهتر از ما نبود و مرتب از طرف پدرم برای هر کاری تحقیر و سرزنش می‌شد اما چیزی نمی گفت. هیچ کدام از ما حق نداشتیم از خواسته‌ها یا علایق‌مان حرف بزنیم چون پدر و حتی گاهی برادرانم ما را مسخره می کردند.

یك سال و نیم از عمرم را در زیرزمین خانه گذراندم و تمام وقتم را صرف قالی‌بافی کردم تا این که امیر به خواستگاری‌ام آمد. او ۴۰ سال سن داشت و می گفت قبلا ازدواج کرده است و دو پسر دارد و به دلایلی از همسرش جدا شده است.

نمی دانم شاید به خاطر این که می‌دانست پدرم برای ازدواج دخترانش زیاد سختگیری نمی کند به خودش اجازه داده بود به خواستگاری‌ام بیاید در حالی که می‌دانست من سن و سالی ندارم البته من هم نه جرئت اعتراض داشتم و نه می‌توانستم مخالفت کنم حتی اگر او شرایط بدتری می داشت چون دیده بودم مخالفت دو خواهر بزرگ‌ترم برای ازدواج با مردانی که پدرم معرفی کرده بود، باعث شده بود چه بلایی بر سر آن ها بیاید. از یک طرف می‌ترسیدم و از طرفی می‌دانستم سرنوشت خوبی در انتظارم نیست.

باید کاری می کردم و از مادرم خواستم تا با پدرم حرف بزند و با ناامیدی این کار را انجام دادم. فردای روزی که از مادرم خواستم مخالفت من با این ازدواج را به پدرم بگوید، او به سراغم آمد، مطابق معمول در زیرزمین قالی می‌بافتم که چشمان خشمگین پدر توانایی کار کردن را از من گرفت.

صدای سیلی دردناکی که به صورتم زد را هرگز فراموش نمی کنم. آن قدر ناراحت و عصبانی بود که نمی فهمید چه می کند.

التماس های مادرم نیز فایده‌ای نداشت چرا که پدرم به هنگام عصبانیت به حرف هیچ کسی گوش نمی‌کرد.

دیگر بعد از آن ماجرا چیزی نگفتم و پدرم برنامه‌ریزی می کرد. به ناچار و بدون هیچ میل و علاقه ای تن به ازدواج دادم در حالی که چاره‌ای جز سکوت نداشتم. او پنج میلیون تومان از آن مرد گرفت تا راضی به ازدواجم شود. با این سیه روزی به عقد امیر درآمدم و قرار شد یك ماه بعد از عقد به خانه شوهرم بروم. آن قدر از او متنفر بودم که هر بار به دیدنم می‌آمد خودم را از او مخفی می کردم. روزی که می خواستم به خانه امیر بروم غم بزرگی روی دوشم سنگینی می کرد.

نه از کودکی ام چیزی فهمیده بودم و نه از نوجوانی و جوانی ام.

باید زیر سقف زندگی با مردی می رفتم که جای برادر بزرگم بود. مادرم در حالی که اشک می ریخت لباس نو و زیبایی به تنم کرد و چادر سفیدی روی سرم انداخت و مرا راهی خانه شوهر کرد. شرایط دیگر عوض شدنی نبود و باید خودم را با آن تطبیق می دادم. زندگی با او سخت‌ترین کار بود.

دو ماه از ازدواج‌مان می گذشت که یك روز زن غریبه‌ای در خانه را زد و به محض باز شدن در به زور وارد خانه شد. هنوز از علت حضورش نپرسیده بودم که شروع به سر و صدا کرد و هر چه می توانست بد و بیراه گفت و پس از مشاجره با شوهرم فریاد زد که باید مرا طلاق دهد. این حرفش مثل پتکی بر سرم فرود آمد و آن جا بود که متوجه شدم امیر همسرش را طلاق نداده و با دروغ گویی زندگی‌ام را تباه کرده است.

با این ماجرا امیر از من خواست هر چه سریع‌تر وسایلم را جمع کنم و چند روزی به خانه پدرم بروم و منتظر باشم تا او مرا به خانه دیگری ببرد اما او به سراغم نیامد. از سویی پدرم حاضر نبود اجازه دهد من در خانه‌اش بمانم و مرا مجبور کرد تا زودتر به خانه شوهرم برگردم. در این شرایط شنیدن حرف‌های پدرم برایم تلخ‌تر از ماجرایی بود که گرفتارش شده بودم. مگر من با میل خودم ازدواج کرده بوم که حالا بخواهم تاوان آن را پس بدهم.

به ناچار از خانه پدر بیرون آمدم تا به خانه شوهرم برگردم اما او خانه اش را عوض کرده بود و نشانی محل جدید زندگی اش را نداشتم. پس از جست و جوی فراوان محل کارش را پیدا کردم و به آن جا رفتم تا با او حرف بزنم و او تکلیفم را مشخص کند اما بر خلاف تصورم برخورد بدی نشان داد و حتی دست رویم بلند کرد و گفت دیگر تو را نمی‌خواهم، به خانه پدرت برگرد.

با این حرف ها انگار دنیا روی سرم خراب شد، نمی دانستم باید چکار کنم، باید به خانه پدری می رفتم که خودش باعث این ازدواج اجباری شده بود و زندگی و جوانی ام را با خودخواهی اش خراب کرده بود. حال من مانده‌ام با یك دنیا آرزوی بر باد رفته...

زن جوان در پایان به قاضی گفت: من هم مثل هزاران زن دیگر دوست دارم زندگی خوبی داشته باشم. شوهری بالای سرم باشد و فرزند داشته باشم و این گونه با رنج و عذاب زندگی نکنم. شاید شکایتم باعث شود که شوهرم تن به ادامه زندگی بدهد در غیر این صورت هیچ جایی برای زندگی و پناهی ندارم و نمی دانم چه سرنوشتی در انتظارم است.

در ادامه قاضی دستور تحقیقات در پرونده زن جوان را داد و خواست شوهر وی نیز برای تحقیقات به دادگاه احضار تا تکلیف زندگی زن جوان معلوم شود.

آژیر

توقیف ۱۳۷ رأس دام قاچاق در طبس

کامیون حامل ۱۳۷ رأس دام زنده غیرمجاز در طبس متوقف شد. رئیس شبکه دامپزشکی این شهرستان گفت: یک دستگاه کامیون حامل دام زنده بدون مجوز که قصد عبور از طبس را داشت در خروجی مرز استان توقیف شد.

هادیان افزود: این محموله بدون مجوز حمل بهداشتی بود که از تربت حیدریه به مقصد اصفهان بارگیری شده بود و پرونده فرد متخلف به مراجع قضایی ارجاع داده شد.

خسارت ۹۰ میلیون تومانی آتش سوزی به مراتع بشرویه

آتش سوزی به مراتع سرچشمه روستای جوزردان بشرویه ۹۰ میلیون تومان خسارت وارد کرد.

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری بشرویه گفت: در این حادثه نیم هکتار از مراتع این منطقه تفریحی در آتش سوخت.

محمد رضا رفیعی افزود: پس از اطلاع اهالی روستای جوزردان به یگان حفاظت ویژه منابع طبیعی شهرستان، نیروهای این یگان در محل حاضر شدند و در مدت سه ساعت، آتش را با کمک اهالی مهار کردند. وی گفت: آتش، بخشی از درختچه های بید، گز، بادامشک و نی بیشه را که پناهگاه حیات وحش بود از بین برد.

وی از مردم خواست در صورت مشاهده هر گونه بوته کنی، آتش سوزی و صدمه به مراتع، موضوع را به شماره ۱۵۰۴ گزارش دهند.

مراتع سرچشمه جوزردان در ۳۴ کیلومتری بشرویه و در ۱۰ کیلومتری غرب روستای جوزردان واقع است.

آتش سوزی جنگل درختان بیابانی در سربیشه

معاون عملیات پلیس خراسان جنوبی از وقوع آتش سوزی در جنگل درختان بیابانی در ۱۵ کیلومتری سربیشه خبر داد.

سرهنگ «حسن شجاعی نسب» ظهر روز گذشته با بیان این مطلب افزود: پس از اعلام این حادثه نیروهای گشت پلیس در محل حادثه حضور یافتند و از نیروهای آتش نشانی درخواست کمک شد. به گفته وی با توجه به گزارش ماموران مستقر در محل و به دلیل وزش باد شدید احتمال گستردگی آتش وجود دارد و علت وقوع آن هم در دست بررسی است.

خراسان جنوبی
نیازمندی های عمومی
روزبازار

پیشخوان

برنامه پروازی تابستان سال ۱۳۹۶ فرودگاه بین المللی بیرجند

ایام هفته	ایران ایر		ماهان ایر		ایران ایر		ایران ایر	
	تهران-بیرجند	بیرجند-تهران	تهران-بیرجند	بیرجند-تهران	بیرجند-مشهد	مشهد-بیرجند	زاهدان-بیرجند	بیرجند-زاهدان
شنبه	۰۷:۰۰	۱۳:۱۰	۱۹:۱۵	۲۱:۳۰	۰۹:۱۰	۱۱:۳۵	-	-
یکشنبه	۰۶:۳۵	۰۸:۳۵	-	-	-	-	-	-
دوشنبه	۰۷:۰۰	۰۹:۱۰	۱۹:۱۵	۲۱:۳۰	۱۹:۴۰	۱۷:۵۵	-	-
سه شنبه	۰۶:۳۵	۰۸:۴۰	-	-	-	-	-	-
چهارشنبه	۱۶:۰۵	۱۳:۰۰	۱۹:۱۵	۲۱:۳۰	۱۸:۴۰	۱۱:۴۰	-	-
پنجشنبه	۱۴:۴۰	۱۲:۵۰	۱۹:۱۵	۲۱:۳۰	-	-	۱۱:۱۵	۱۶:۵۵
جمعه	۱۵:۳۵	۱۷:۵۰	۱۳:۳۵	۱۶:۱۵	-	-	-	-

پروازهای ماهان - طبس روزهای یکشنبه و سه شنبه: تهران-طبس ساعت ۹:۰۰ طبس-تهران ساعت ۱۱:۱۵

نوبت دهی دیجیتالی مراکز درمانی

بیمارستان عباد	۳۱۰۹۹
بیمارستان شهید رحیمی (تامین اجتماعی)	۳۲۲۵۰۱۰۰
بیمارستان امام رضا (ع) شفا، غفور	۳۱۴۴۴۴۰۰
بیمارستان ولیعصر (عج)	۹۵ الی ۳۲۴۴۱۱۹۱

طلا و سکه

نوع	قیمت (ریال)
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۱،۴۶۰،۴۴۰
سکه بهار آزادی	۱۵،۰۱۰،۰۰۰
نیم سکه	۷،۵۸۰،۰۰۰
ربع سکه	۴،۵۷۰،۰۰۰
سکه گرمی	۳،۰۹۰،۰۰۰

نرخ ارز آزاد و مبادله ای

نوع ارز	نرخ آزاد	نرخ مبادله ای
دلار	۴۶،۹۷۰	۳۷،۱۳۰
یورو	۵۰،۹۷۰	۴۶،۰۹۰
پوند	۶۶،۸۰۰	۵۲،۰۹۰
درهم امارات	۱۳،۳۳۰	۱۰،۱۱۱
لیر ترکیه	۱۳،۳۴۰	۹،۹۱۰

پیش بینی وضعیت جوی استان
۲۴ ۱۳ | ۲۷ ۱۶ | ۲۱ ۱۳ | ۲۲ ۱۰ | ۲۶ ۱۴ | ۲۲ ۱۳ | ۱۹ ۱۳ | ۲۰ ۱۳ | ۲۱ ۶ | ۲۰ ۹ | ۲۵ ۱۳

افتخار این را داریم که امین شما همشهریان عزیز خراسان جنوبی در امر خرید و فروش ملک در مشهد مقدس باشیم
۰۵۱۳۵۰۱۹۲۲۰-۳۰
۰۹۱۵۹۰۰۶۰۱۸
ملایی- تجات

زمین فروشی یا معاوضه ۲۱۴متر با اسکلت دو کله معصومیه ۰۹۱۵۵۶۱۴۰۹۹

منزل ویلایی پاسداران۱۱ شمالی زمین۳۶۰متر در یک و نیم طبقه بنا۳۵۰ ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی نیمه کارجهکند معاوضه با خودرو یا منزل قابل تعویض ۰۹۱۵۰۹۱۲۳۹۴

مرغداری ۱۵هزار قطعه ای ۲و نیم هکتار زمین ۳۷۰میلیون نقد و اقساط ۰۹۱۵۶۷۰۰۵۲۰

تعدادی راننده با خودروی تمیز جهت کار در آژانس نیازمندیم ۰۹۱۵۵۶۱۲۱۷۰

آپارتمان تازه ساز مدرس ۱۷ بنا ۱۶۵ متر طبقه اول ۳خواب فول ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

خریدار زمین یا منزل کلنگی خیابان صمدی قائم منتظری بافت فرسوده ۰۹۱۵۵۶۲۵۲۹۷

آپارتمان طبقه اول ۷۵متر خوش نقشه رهن۱۵ میلیون شهرک دربند ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی -خ امام علی(ع) حاجی آباد ۱۳۰ متر۱۰۰متر زیربنا فی۸۸م ۰۹۱۵۳۶۱۳۷۷۴

به تعدادی کارگر ساده خانم و یک حسابدار خانم جهت کار در یک شرکت معتبر نیازمندیم تهران- خاوران-شهرک صنعتی خوابگاه و امکانات رایگان ۰۹۱۲۱۰۲۶۲۵۶

فروشی - مشهد واحد آپارتمان ۸۰ متری واقع در مسکن مهر گلبهار واریزی تاکنون ۱۸ میلیون فروش ۱۷ میلیون ۰۹۱۵۹۱۶۵۴۴۳

منزل ویلایی دو نبش زمین۲۵۰ متر دو نیم طبقه حاشیه بعثت ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

مغازه لبنیات محلی با کلیه امکانات واگذار میگردد فی۸۰ ۰۹۱۵۹۰۵۱۳۷۰-۰۹۱۵۵۶۶۶۳۲۶

مشاورین املاک طوس قاین خیابان شهید رجایی مقابل فرمانداری ۰۵۶۳۲۵۲۴۰۲۴

اجاره و رهن منزل دربستی۲طبقه طالقانی۲ جهت ارگان های دولتی شرکتهای خصوصی ۰۹۱۵۵۶۲۰۷۹۴

زمین فروشی نسرین ۳/۱ شمالی ۲۲۰متر با۳طبقه پروانه روی پیلوت ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی مدرس ۲۶شمالی زمین ۳۶۰متر بنا۲طبقه ۴۱۰ متر ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

آپارتمان۸۵متری آفتابگیر سایت اداری طبقه ۳ دوخواب تراس بزرگ ۰۹۹۰۹۸۱۱۸۰۲

منزل ویلایی ظفر شمالی زمین ۳۲۰متر۲طبقه بنا۲۷۰ ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

شرکت مشاور و پشتیبانی استخدام میکند: گرافیست و منشی امور دفتری ۳۲۴۵۶۳۴۲

فروش سوپرمارکت به دلیل مهاجرت در بهترین منطقه مهرشهر ۰۹۳۳۹۱۸۷۱۵۷

زمین پونه ۴ دو نبش ۲۵۰ متر جهت ساخت عالی ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

آپارتمان سپیده ۵و ۸شمالی و جنوبی ۲خواب و هال۸۵و ۹۰ متر لوکس ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

مغازه لبنیات محلی با کلیه امکانات واگذار میگردد ۸۰م ۰۹۱۵۹۰۵۱۳۷۰-۰۹۱۵۵۶۶۶۳۲۶

آپارتمان سپیده ۵و ۷شمالی و جنوبی ۲خواب و هال۸۵و ۹۰ متر لوکس ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

به تعدادی راننده جهت کار در آژانس نیازمندیم ۰۹۱۵۷۴۶۲۰۰۷

متقاضی منزل بافت قدیمی و مسکن مهر به صورت معاوضه با خودرو و زمین۴ ۰۹۱۵۰۹۱۲۳۹۴

منزل اجاره ای دهلکوه خیابان ولی عصر کارشناسی ۰۹۱۵۱۶۳۲۰۲۵

فروش و معاوضه دو زمین ۱۲۰۰متر و ۳۰۰ متر نقد و اقساط معصومیه ۰۹۱۵۵۶۲۵۲۹۷

طبقه دوم تازه ساز حدود ۹۰متر معصومیه مقابل باغ یا معاوضه ۰۹۳۹۱۶۱۳۹۱۵

۲۵۰متر زمین حاشیه خیابان امام علی امیرآباد-فروش یا معاوضه ۰۹۱۵۱۶۳۸۸۹۲

جویای کار نگهداری از سالمند طالبی ۰۹۹۰۸۱۹۳۷۱۶

آپارتمان ۱۰۰ متری نارنج شمالی ویوی عالی بدون تصبیحات لوکس ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

خریدار منزل ویلایی تا۲۶۰م محدوده مفتح،نبوت،توحید و... ۰۹۹۰۹۸۱۱۸۰۲

یکقطعه زمین مسکونی شهرک معصوم آباد ۳۰۰متر زیربنا۸۵متر ۰۹۱۵۸۶۳۰۴۳۶

۷شبانه روز قنات فروشی حاشیه جاده زیرکوه۱۷کیلومتری قاین ۰۹۱۵۱۶۳۵۶۱۴

استخدام

جویای کار با سابقه چند سال کار در مرغداری و بردستی نان سنگک ۰۹۱۵۹۵۹۵۲۳۳

املاک

منزل ویلایی غفاری خ یاس زمین ۳۶۰ متر دو طبقه بنا۳۶۰ متر شمالی ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی معلم ۸شمالی زمین ۳۷۵ متر معبر ۵/۱۲ ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

زمین فروشی یا معاوضه ورودی امیرآباد از سمت حاجی آباد ۰۹۱۵۵۶۱۴۰۹۹

واحد آپارتمان -گناباد زیرفی بازار -قابل معاوضه با ملک و خودرو ۰۹۱۵۱۵۳۳۰۳۸

آپارتمان همکف بنا ۱۵۸ متر ۳ خواب شمالی فول امکانات ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

مغازه پوشاک-خ صمدی۸-۶ حدود۲۰م جنس فقط ۱۳میلیون با تخفیف ۰۹۱۵۰۸۰۶۰۹۹

آژانس با زنگ خور بالا در منطقه آوینی به تعدادی راننده نیازمنداست ۰۹۳۹۵۲۶۵۱۲۰

به استادکار ماهر در سالن آرایشگاه نیازمندیم- کرایه صندلی آرایشگاه ۰۹۱۵۸۶۰۸۱۰۹

باغ در روستای تقاب زمین ۲هزار متر یک ساعت آب-سده ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی اوقافی زمین ۳۲۰ متر بنا۱۶۰ متر جنوبی خ ظفر ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

زمین کشاورزی ۳ هکتار با درخت زرشک و ۱۲ ساعت آب چاه ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی حاشیه توحید امام موسی صدر شمالی و جنوبی زمین۳۶۰متر ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی انقلاب ۲۲زمین۲۱۰ متر بنا در دو نیم طبقه۲۷۰متر لوکس ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

آپارتمان ۹۰ متری-مجتمع کوثر همکف- ۲خواب خوش نقشه سند آزاد ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

زمین سند ششدانگ ۲۵۰متر موقعیت عالی زیر فی بازار ۰۹۱۵۱۵۳۳۰۳۸

به تعدادی راننده جهت کار در آژانس با زنگ خور بالا تمام وقت نیازمندیم ۰۹۱۵۹۶۳۴۴۷۸

به تعدادی نیرو جهت کار در تالار نیازمندیم ۰۹۱۵۵۶۲۶۳۲۲

آپارتمان ۸۵ متری آفتابگیر سایت اداری طبقه ۳ دو خواب تراس بزرگ ۰۹۹۰۹۸۱۱۸۰۲

باغ ویلا سیوجان زمین ۱۷۰۰متر بنا۸۵متر دیوار شده ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

ویلایی بازسازی شده شیک ۱۹۰متر زمین۱۲۰متر همکف ۲۰متر زیرزمین ۰۹۱۹۸۱۶۰۶۵۰

آپارتمان ۱۰۰ متری کویر تایر الهیه شمال شهر-لوکس آفتابگیر ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

۵۰متر مغازه و طبقه بالا۶۰متر دو کله تجاری -خ فردوسی ملائی ۰۹۱۵۶۶۷۷۷۸۱

فروش یا معاوضه زمین و ویلایی چهکند با خودرو یا منزل داخل شهر ۰۹۱۵۰۹۱۲۳۹۴

آپارتمان۷۵متری طبقه سوم آفتابگیر سر دو نبش -توافقی فول امکانات ۰۹۱۵۸۶۵۰۸۱۴

آماده همکاری جهت باربری با کرایه مناسب به تمام نقاط وانت نیسان ۰۹۱۵۸۶۶۵۳۱۷

انجام کارهای نظافتی، خدماتی خود را به ما بسپارید ۰۹۹۰۸۱۹۳۷۱۶

منزل اجاره ای طبقه اول شمالی ۲خواب و هال و تراس بزرگ رهن واجاره ۴۲۰م ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

ملک تجاری توحید حاشیه ۲۶۱ متر سه دربند مغازه سوداگران برگ ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی مدرس ۲۸ و ۳۲ شمالی جنوبی زمین ۳۶۰متر یک و نیم طبقه ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

منزل ویلایی ولایت ۵جنوبی زمین ۲۴۰ متر بنا ۱۷۰ متر ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸

یکقطعه زمین مشاع ۲۱۸متر حاشیه بلوار موسی بن جعفر(ع) زیرفی ۰۹۰۳۰۷۷۴۷۲۰

زمین ۹۰ متری بهترین موقعیت حاجی آباد انتهای بلوار خلیج فارس ۰۹۱۵۷۲۳۳۸۴۹

۳ الی ۵ ساعت آب یا زمین و تعدادی نهال با زمین یا خودرو قابل تعویض ۰۹۱۵۹۵۹۴۹۳۲

به یک نفر استاد ماهر جهت تعمیرات انواع تلویزیونهای LED نیازمندیم ۰۹۱۵۵۶۴۴۵۹۵

نیروخدماتی، آشپزخانه، سالندار حقوق عالی و جای خواب نیازمندیم ۰۹۱۵۳۶۹۴۵۹۵

ج/۹۶۲۳۷۵۰۲